

فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه ی اصلی وب سایت مجله:
www.jqe.scu.ac.ir
شاپا الکترونیکی: ۴۲۷۱-۲۷۱۷
شاپا چاپی: ۵۸۵۰-۲۰۰۸

اثر نابرابری اقتصادی بر سیاست مالی در چرخه سیاسی، مطالعه‌ای در استان‌های ایران

اسمعیل ابونوری *، مجید مداح ** ، نسیبه کرامتی زاده***

* استاد اقتصادسنجی. آمار اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
ایمیل: mailto:esmaiel.abounoori@semnan.ac.ir

** استاد اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
ایمیل: mailto:majid.maddah@semnan.ac.ir

*** دانشجوی دکتری اقتصاد - اقتصادسنجی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، ایران (نویسندهٔ مسئول).
ایمیل: mailto:keramatizadeh.n@semnan.ac.ir

0009-0005-4964-4370
آدرس پستی: ایران، خراسان شمالی، اسفراین، خیابان سپیده کاشانی، سپیده کاشانی ۵، کدپستی ۹۶۶۱۹-۱۳۶۴۳

اطلاعات مقاله	طبقه‌بندی JEL	واژگان کلیدی
تاریخ دریافت: ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۳ **تاریخ بازنگری: ۲۳ تیر ۱۴۰۳** **تاریخ پذیرش: : ۲۹ مهر ۱۴۰۳**	**D31-E62-C33**	**نابرابری اقتصادی، سیاست مالی، مدل داده‌های پانل، استان‌های ایران**

قدردانی: نویسندگان از نظرات و پیشنهادات ارزشمند داوران که کیفیت این مقاله را بهبود بخشیده‌اند تشکر و قدردانی می‌کنند.
تضاد منافع: نویسندگان مقاله اعلام می‌کنند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منافعی وجود ندارد.
منابع مالی: نویسنده‌ها هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ارجاع به مقاله:
ابونوری، اسمعیل.، مداح، مجید و کرامتی زاده، نسیبه. (۱۴۰۵). اثر نابرابری اقتصادی بر سیاست مالی در چرخه سیاسی، مطالعه‌ای در استان‌های ایران، *فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری (بررسی های اقتصادی سابق)*، ۲۳(۲)، ۱۷۸-۱۵۱.

10.22055/jqe.2024.46845.2626

© 2026 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

چکیده گسترده

معرفی:

بدهی عمومی، هزینه‌های دولت و مالیات‌ها از جمله ابزارهای مالی هستند که دولت‌ها برای تأمین مالی در دسترس دارند. از طرفی دولتی که به دنبال انتخاب مجدد است تلاش می‌کند از ناآرامی‌های اجتماعی اجتناب کند. سؤالی که در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن هستیم این است که سیاست دولت در مواجه با ناآرامی‌های اجتماعی چیست؟ بنابراین در این پژوهش اثر ضریب جینی به‌عنوان نماینده ناآرامی اجتماعی بر بدهی عمومی، هزینه‌های دولت و درآمدهای مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است. نمونه آماری در این مطالعه ۳۱ استان کشور در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ است.

دولتی که به دنبال بالابردن شانس انتخاب مجدد خود در انتخابات است تلاش می‌کند آثار منفی ناآرامی‌های اجتماعی در جامعه را به حداقل برساند. برای این کار به‌ناچار ابزارهای مالی محدود در دسترس مورداستفاده قرار می‌گیرند. یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند ناآرامی‌های اجتماعی را تشدید کند، وجود فاصله طبقاتی و تشدید نابرابری‌های اقتصادی در جامعه است (Carrera, Vega, & Toledo, 2024). فاصله طبقاتی و فقر در جامعه ناشی از نابرابری گسترده در توزیع درآمد است. نابرابری‌های اقتصادی می‌تواند انسجام اجتماعی را تضعیف کند و چالش‌هایی مانند نارضایتی اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی را به دنبال داشته باشد(Shaltger & Vedder, 2014) . بی‌ثباتی سیاسی احتمال انتخاب مجدد دولت حاکم را کاهش می‌دهد؛ لذا دولت‌ها در سال‌های نزدیک به انتخابات با اعمال سیاست‌های مالی انبساطی از طریق ابزارهای مالی به دنبال کاهش فاصله طبقاتی بوده تا رضایت جامعه را جلب نمایند.

حاکمان سطحی از صلاحیت را دارند که فقط آنها واقعاً آن را می‌دانند و برای شهروندان ناشناخته است. ازآنجایی‌که رأی‌دهندگان نمی‌توانند مستقیماً صلاحیت سیاستمدار را شناسایی کنند، باید آن را از نتایج سیاست‌های مالی استنباط کنند؛ بنابراین، رأی‌دهندگان نامزدهایی را انتخاب می‌کنند که قبل از انتخابات هزینه بیشتری می‌کنند که به‌صورت کاهش مالیات‌ها یا افزایش مخارج دولت اجرا می‌کنند، زیرا به نظر می‌رسد که این نشانه معتبری از سطح بالای شایستگی آنها است. در نتیجه، این عدم تقارن اطلاعاتی انگیزه‌ای برای سیاستمداران ایجاد می‌کند تا قبل از انتخابات بیشتر هزینه کنند یا مالیات‌ها را کاهش دهند و در نتیجه شانس خود را برای ماندن در قدرت افزایش دهند (Rogoff & Siebert, 1987; Rogoff, 1988) مدیران فعلی انگیزهایی برای افزایش عرضه کالاهای عمومی قبل از انتخابات دارند، به این امید که رأی‌دهندگان این افزایش را به شایستگی آنها نسبت دهند (Shi, & Svensson, 2006).

از بعد تجربی، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پدیده چرخه سیاسی مشروط به عوامل و زمینه‌هایی است به‌عنوان‌مثال، مکانیسم‌های محرک آنها و شرایطی که تحت آن رخ می‌دهند در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. برخی از این عوامل شرطی که در ادبیات برجسته است عبارت‌اند از آزادی رسانه‌ها (Veiga, Veiga, & Morozumi, 2017)، ویژگی‌های سیستم انتخاباتی (Idet & Mooney, 2014) و تحقیقات (Bohn & Vega, 2019) نشان می‌دهد که چگونه انتظارات رکودی ممکن است چرخه بودجه سیاسی را تقویت کند.

با افزایش مخارج عمرانی دولت، سازوکارهای فزاینده درآمد فعال و قدرت خرید جامعه افزایش می‌یابد. در نتیجه، با افزایش تقاضا برای کالا و خدمات ایجاد شده، سرمایه‌گذاری مجدداً بیشتر خواهد شد. تداوم این چرخه منجر به ایجاد اشتغال و درآمد پایدار و بنابراین موجب بهبود توزیع درآمد جامعه خواهد شد. اما مخارج جاری دولت که اثر غیرتولیدی دارد معمولاً متوجه گروه‌های پردرآمد جامعه می‌شود و امکان بهره‌مندشدن اقشار کم‌درآمد را فراهم نمی‌کند (Akbari, Farahmand, & Jamali, 2011).

علاوه بر این، در زمینه شواهد استانی در ایران، نتایج مطالعات تجربی نشان داده‌اند که اندازه و ابزارهای مالی دولت و همچنین توسعه شمول مالی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعدیل نابرابری توزیع درآمد در استان‌های کشور ایفا می‌کنند (Zobeidi, Khodapanah & Montazer Hojat, 2025; Pirzadi, Soufimajidpour & Mahmodzadeh, 2025)

نابرابری اقتصادی بر بسیاری از متغیرهای کلان اقتصادی همچون کسری بودجه و بدهی دولت مؤثر است (Monir & Sultan, 2017). این اثر بر بدهی عمومی دولت از

لحاظ نظری و تجربی دارای ابهام است. به عبارتی نابرابری درآمد بر بدهی عمومی دولت می‌تواند باتوجه‌به شرایط هم مثبت و هم منفی باشد. این اثر در دو دیدگاه قابل‌بررسی است. در دیدگاه اول: با افزایش نابرابری اقتصادی، ریسک درآمد نیز افزایش می‌یابد، در نتیجه انگیزه دولت برای استقراض افزایش می‌یابد. در واقع بدهی دولت نتیجه سیاست‌های دولت در مواجه با نابرابری اقتصادی است (Azzimonti, De Francisco, & Quadrini, 2014). در دیدگاه دوم افزایش نابرابری اقتصادی باعث انباشت سرمایه و در نتیجه افزایش تولید می‌شود و در نهایت درآمدهای مالیاتی افزایش‌یافته و بدهی عمومی دولت کاهش می‌یابد(Sadeghi Amroabadi & Hooshmandi,2021).

ترکیب مخارج دولت به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر نابرابری درآمدی تأثیر دارد. درحالی‌که یارانه‌ها و مالیات‌ها به‌صورت مستقیم نابرابری را متأثر می‌سازند، مخارج صورت‌گرفته جهت خدمات عمومی، از کانال تقویت توانایی‌های افراد می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم بر توزیع درآمد مؤثر باشد(Vigas & Ribeiro, 2013). هزینه‌های دولت از طریق بهبود توانمندی نیروی کار و ایجاد زیر ساخت‌های اجتماعی و اقتصادی می‌تواند اثرات تعیین کننده‌ای بر الگوی توزیع درآمد داشته باد (Lustig, Pessino, & Scott, 2014). با افزایش نابرابری در جامعه، تقاضا برای کالاها و خدمات عمومی افزایش می‌یابد. از طرفی دولت برای جلب رضایت شهروندان و تأمین مطالبات آن‌ها و اجتناب از مواجه با ناآرامی‌ها هزینه‌های خود را افزایش می‌دهد؛ بنابراین با افزایش نابرابری اقتصادی، هزینه‌های دولت افزایش خواهد یافت(Hendricks & Myles, 2013) .

مالیات به‌عنوان منبع دائمی و قابل‌پیش‌بینی، همواره موردتوجه دولت مردان بوده است. اعمال مالیات چه به جهت کسب درآمد و چه به‌منظور ابزار سیاست‌گذاری، آثار متفاوتی را بر اقتصاد تحمیل می‌کند. مالیات‌ها از یک سو، باتوجه‌به اصابت مالیاتی بر شرایط توزیعی جامعه تأثیرگذار هستند و از سوی دیگر با جابه‌جایی منابع از بازاری به بازار دیگر، آثار تخصیصی را به همراه دارند. از طریق سیستم مالیاتی است که دولت می‌تواند بخشی از درآمد افراد را برای انجام خدمات عمومی، کمک به گروه‌های با درآمد پایین یا پرداخت مستقیم به فقیران، دریافت کند. در واقع، تأثیر مالیات‌بردرآمد از طریق انتقال درآمد از بازار به دولت و از دولت به کل جامعه اعمال می‌شود. از طریق مالیات دولت می‌تواند در بازار دخالت کرده هزینه‌های خود را تأمین نموده و توزیع درآمد را متأثر سازد (Sadeghi, Beheshti, Ranjpour, & Ebrahimi, 2017). در این پژوهش اثر نابرابری اقتصادی بر سیاست مالی در چرخه سیاسی در دورهٔ ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ با استفاده از دو روش FGLS و GMM برای ۳۱ استان کشور بررسی شده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش نابرابری اقتصادی شهری استان‌های ایران، سیاست دولت در مواجه با ناآرامی‌ها افزایش کسری بودجه به‌عنوان پروکسی از بدهی عمومی است درحالی‌که سیاست اتخاذ شده در مواجه با ناآرامی‌های ناشی از نابرابری اقتصادی روستایی افزایش هزینه‌ها و افزایش کسری بودجه است. افزایش نابرابری اقتصادی شهری در تعامل با نسبت دوره اجرایی بر بدهی عمومی و هزینه‌های دولت اثر مثبت و معناداری دارد و درآمدهای مالیاتی را به طور معناداری کاهش می‌دهد. افزایش نابرابری اقتصادی روستایی در تعامل با نسبت دوره اجرایی بر بدهی و هزینه‌های دولت اثر منفی و معناداری دارد و درآمدهای مالیاتی را به طور معناداری افزایش می‌دهد.

مقایسه نتایج مطالعات انجام شده نشان‌دهنده یک خلأ تجربی از بررسی اثر نابرابری اقتصادی بر ابزارهای مالی دولت شامل بدهی عمومی، هزینه و درآمدهای مالیاتی دولت با حضور یک متغیر سیاسی است که این مقاله تلاش دارد تا با پوشش‌دادن آن، ادبیات تجربی در این حوزه را تقویت کند.

متدولوژی:

در این مطالعه از دو روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته امکان‌پذیر (FGLS) و گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) برای برآورد مدل‌های پژوهش استفاده شده است.

ازآنجاکه مشکل واریانس ناهمسانی تأثیر مهمی در برآوردها و استنباط‌های آماری دارد، لازم است وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس بررسی شود. برای آزمون فرض ناهمسانی واریانس داده‌های پانل می‌توان از آزمون واریانس ناهمسانی نسبت راست‌نمایی[1] استفاده کرد که در صورت رد فرضیه H_0 وجود واریانس ناهمسانی تایید می‌شود. همچنین باید مشکل خودهمبستگی نیز بررسی شود که می توان از آزمون خودهمبستگی وولدریج[2] استفاده‌کرد. رد فرضیه صفر، مبنی بر وجود خودهمبستگی است. درصورت تایید این دو مشکل روش حداقل مربعات معمولی اعتبار کافی ندارد. بنابراین می‌توان از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته امکان‌پذیر که در آن مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی رفع شده است برای برآورد استفاده کرد.

در روش GMM آزمون سارگان[3] بیانگر صحت و اعتبار متغیرهای ابزاری انتخاب شده است که عدم معناداری آن در سطح ۰٫۰۵ صحت و اعتبار ابزارهای انتخاب شده را تایید می‌نماید. آزمون خود همبستگی مرتبه دوم پسماندها AR(2)، دیگر آزمونی است که طبق

[1] *Likelihood Rati*
[2] *Wooldridge*
[3] *Sargan Test*

نظر(Arellano & Bond, 1991) مدل برآوردی به روش GMM باید دارای عدم خودهمبستگی مرتبه دوم باشد. احتمال خودهبستگی مرتبه دوم باید بالاتر از ۰٫۰۵ باشد (Labra Lillo & Torsilas, 2018).

یافته‌ها:

در این پژوهش سیاست اتخاذی دولت در واکنش به ناآرامی‌های اجتماعی با درنظرگرفتن بالابردن شانس خود برای انتخاب مجدد در انتخابات موردمطالعه قرار گرفته است. در این راستا و برای سنجش این واکنش اثر ضریب جینی به‌عنوان نماینده ناآرامی اجتماعی بر بدهی دولت، درآمدهای مالیاتی و مخارج دولت مورد بررسی قرار گرفته است. نمونه آماری در این پژوهش ۳۱ استان ایران در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ است. برآورد الگوی رگرسیونی این پژوهش در ۶ تصریح متفاوت از دور روش حداقل مربعات تعمیم یافته‌امشان پذیر و گشتاورهای تعمیم‌یافته انجام شده است. برای ارزیابی سیاست دولت در مواجه با ناآرامی‌های اجتماعی از ضریب جینی شهری و روستایی به‌صورت تفکیک شده استفاده است.

در مجموع یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست دولت در مواجه با ناآرامی‌های ناشی از افزایش نابرابری اقتصادی شهری و روستایی متفاوت است. طبق نتایج حاصل از تخمین مدل‌های مختلف افزایش نابرابری اقتصادی شهری استان‌های ایران به طور معناداری کسری بودجه دولت را افزایش می‌دهد. همچنین افزایش نابرابری روستایی بر کسری بودجه و هزینه‌های دولت به طور معناداری اثر مثبت دارد. رابطه مثبت بین نابرابری درآمدی و کسری بودجه و هزینه‌های دولت بیانگر آن است که سیاست دولت در مواجه با ناآرامی اجتماعی ناشی از نابرابری اقتصادی ایجاد کسری بودجه و افزایش هزینه‌های دولت در جهت کاهش نابرابری‌ها است. بدین ترتیب با افزایش نابرابری‌های اقتصادی ایجاد کسری بودجه و افزایش هزینه‌های دولت قابل‌توجیه است و این رابطهٔ مثبت ناشی از سیاست دولت در مواجه با ناآرامی‌های اجتماعی است. اثر نابرابری اقتصادی شهری بر درآمدهای مالیاتی مثبت و معنادار به‌دست‌آمده است که آن را به این صورت می‌توان توجیه کرد که در سال‌های اخیر سیاست دولت در تأمین درآمدهایش از درآمدهای نفتی به سمت درآمدهای مالیاتی تغییریافته است و از طرفی در مناطق شهری استان‌ها به دلیل اینکه در این مطالعه انواع درآمدهای مالیاتی از جمله مالیات بر کالاها و درآمد نیز شامل می‌شود به طبع درآمدهای مالیاتی شهری از درآمد مالیاتی روستایی بیشتر خواهد بود. در مقابل افزایش نابرابری روستایی به طور معناداری درآمدهای مالیاتی

دولت را کاهش می‌دهد. اثر ضریب جینی شهری در تعامل با متغیر سیاسی نسبت دوره اجرایی(urban Gini coefficient(-1)*Shrterm) بر بدهی دولت و هزینه‌ها مثبت و بر درآمدهای مالیاتی منفی است. درحالی‌که افزایش نابرابری در مناطق روستایی در تعامل با نسبت اجرایی (Rural Gini coefficient(-1)*Shrterm)به طور معناداری بدهی و هزینه دولت را کاهش و درآمدهای مالیاتی دولت را افزایش می‌دهد.

نتیجه:

پژوهش صورت‌گرفته در راستای ادبیاتی است که چگونگی تعامل نابرابری و چرخه سیاسی با متغیرهای مالی را تحلیل می‌کند. رویکرد تجربی این مطالعه ثابت‌کنندهٔ این استدلال است که سیاست‌گذاران برای حفظ ثبات اجتماعی در راستای افزایش شانس باقی‌ماندن در سمت خود کسری بودجه دولت را در مناطق شهری و کسری بودجه و هزینه دولت را در مناطق روستایی استان‌ها افزایش می‌دهند. نتایج تجربی این مطالعه نشان می‌دهد که دولت‌ها استفاده از کسری بودجه دولت در مناطق شهری و هزینه دولت روستایی استان‌ها را برای مواجه با افزایش غیرمنتظره نابرابری‌ها انتخاب می‌کنند تا شانس انتخاب مجدد خود را به حداکثر برسانند. مقایسه نتایج این مطالعه با مطالعات قبلی مانند (Carrera, Vega, & Toledo, 2024)بیانگر آن است که دولت کشورهای مورد بررسی در پژوهش آنها که مجموعه‌ای از کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه است، در واکنش به ناآرامی‌های اجتماعی از صدور بدهی عمومی استفاده کرده‌اند، که بیانگر نتیجه یکسان با پژوهش پیش رو است. با این توضیح که در این مطالعه به دلیل نبود اطلاعات بدهی عمومی از پروکسی کسری بودجه به‌جایی بدهی عمومی استفاده شده است و همچنین نابرابری به‌صورت استانی و تفکیک به مناطق شهری و روستایی بررسی شده است.

Reference

Abdullah Milani, M., Parvin, S., & Sidi, K. (2017). The Exponential Structure of Income Tax and Its Effect on Income Inequality in the Provinces of The Country. *Journal of Economics*, 17(66), 1-22. https://doi.org/10.22054/joer.2017.8200 [In Persian]

Abunouri, I., Karimi Patanlar, S., & Mardani, M. R. (2010). The effect of financial policy on macroeconomic variables of Iran's economy: an approach of vector autoregression. *Economic Research*

Journal, 10(38), 117-143. https://joer.atu.ac.ir/article_2747.html [In Persian]

Aidt, T. S., & Mooney, G. (2014). Voting suffrage and the political budget cycle: Evidence from the London Metropolitan Boroughs 1902–1937. *Journal of public economics*, *112*, 53-71.

Akbari, N., Farahmand, S., & Jamali, S. (2011). Spatial Analysis of the Effect of Government's Fiscal Policy on Income Distribution Inequality in Iran: (GWR Approach). *Quantitative Economic Research Quarterly*,8(3),1-26. https://jqe.scu.ac.ir/article_10591.html [In Persian]

Arellano, M., & Bond, S. (1991). Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations. *The review of economic studies*, *58*(2), 277-297.

Azzimonti, M., De Francisco, E., & Quadrini, V. (2014). Financial globalization, inequality, and the rising public debt. *American Economic Review*, *104*(8), 2267-2302.

Bohn, F., & Veiga, F. J. (2019). Elections, recession expectations and excessive debt: an unholy trinity. *Public Choice*, *180*(3), 429-449.

Campomanes, I. P. (2024). The political economy of inequality, mobility and redistribution. *Journal of Macroeconomics*, *79*, 103585.

Carrera, J., & de la Vega, P. (2021). The impact of income inequality on public debt. *The Journal of Economic Asymmetries*, *24*, e00216.

Carrera, J., de la Vega, P., & Toledo, F. (2024). Income inequality and fiscal policy over the political cycle. *Empirical Economics*, *66*(1), 301-325.

Dadgar, Y., & Mahmoodvand, H. (2022). Analyzing the relationship between inequality and social unrest: Iran and the selected countries. *The Journal of Economic Studies and Policies*, *9*(1), 116-141.https://doi.org/10.22096/esp.2022.125080.1333 [In Persian]

Drazen, A., & Eslava, M. (2006). Pork barrel cycles.

Giacobbe, P., Ordine, P., & Rose, G. (2024). The effects of relaxing fiscal rules on Political Budget Cycle: A difference-in-discontinuities analysis on Italian municipalities. *Electoral Studies*, *88*, 102761.

Hindriks, J., & Myles, G. D. (2013). *Intermediate public economics*. MIT press.

Iran Statistics Center, Provincial Statistical Yearbooks, Chapter 20, General Budget of Provinces. https://amar.org.ir [In Persian]

Iran Statistics Center, Provincial Statistical Yearbooks, Chapter 21, Household Income and Expenses. https://amar.org.ir [In Persian]

Iran Statistics Center, Statistical Yearbooks, Chapter 25, Political Affairs. https://amar.org.ir [In Persian]

Jafari Samimi, A. (2004). *Public Sector Economics (1)*: Semit Publications. [In Persian]

Kiviet, J. F. (1995). On bias, inconsistency, and efficiency of various estimators in dynamic panel data models. *Journal of econometrics*, *68*(1), 53-78.

Labra Lillo, R., & Torrecillas Bautista, C. (2018). Estimating dynamic Panel data. A practical approach to perform long panels.

Lustig, N., Pessino, C., & Scott, J. (2014). The impact of taxes and social spending on inequality and poverty in Argentina, Bolivia, Brazil, Mexico, Peru, and Uruguay: Introduction to the special issue. *Public Finance Review*, *42*(3), 287-303.

Maddah, M., & Jeyhoon-Tabar, F. (2022). The empirical analysis of the effect of income inequality on the public expenditures of the provinces using the Middle Voter Model. *The Journal of Economic Policy*, *13*(26), 259-285. https://ep.yazd.ac.ir/article_2689.html?lang=fa [In Persian]

Mehrani, S., Moradi, M., & Esmaeili, S. (2022). Identifying the Components of Public Sector Debt Reporting in Iran. *Empirical Research in Accounting*, *12*(1), 181-200.https://jera.alzahra.ac.ir/article_6234.html [In Persian]

Munir, K., & Sultan, M. (2017). Macroeconomic determinants of income inequality in India and Pakistan. *Theoretical & Applied Economics*, *24*(4).

Nickell, S. (1981). Biases in dynamic models with fixed effects. *Econometrica: Journal of the econometric society*, 1417-1426.

Noor Mohammadi, K., Arab mazar, A., Mehregan, N., & Partoyi, B. (2021). An Analysis of Government Expenditures Influences on Income Inequality in Provinces of Iran (Using the Generalized Method of Moments. *Journal of financial economics and development*, 14(53), 1-19. https://www.sid.ir/paper/387025/fa [In Persian]

Nordhaus, W. D. (1975). The political business cycle. *The review of economic studies*, *42*(2), 169-190.

Pirzadi, M., Soufimajidpour, M., & Mahmodzadeh, M. (2025). The spatial effects of financial inclusion on income inequality: A cross-provincial analysis. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*

(JQE), Articles in Press. https://doi.org/10.22055/jqe.2024.48106.2665 [In Persian]

Ram, R. (1988). Economic development and income inequality: Further evidence on the U-curve hypothesis. *World Development*, *16*(11), 1371-1376.

Rogoff, K. S. (1987). Equilibrium political budget cycles.

Rogoff, K., & Sibert, A. (1988). Elections and macroeconomic policy cycles. *The review of economic studies*, *55*(1), 1-16.

Roodman, D. (2009). How to do xtabond2: An introduction to difference and system GMM in Stata. *The stata journal*, *9*(1), 86-136.

Sadeghi, A. B., & Hooshmandi, H. (2021). Analyzing the effects of income inequality on public debt in OPEC member states by threshold panel. *Quarterly journal of researches and economic policies*, 29 (97) :313-335. http://qjerp.ir/article-1-2746-fa.html [In Persian]

Sadeghi Amroabadi, B. S., & Kazemi, E. (2021). The Effects of Good Governance and Political Cycles on the Changes of Liquidity and Budget Deficit in Iranian Economy. *Economic researches of Iran*, 27(90), 171-207. https://doi.org/10.22054/ijer.2022.56081.913 [In Persian]

Sadeghi, S. K., Beheshti, M. B., Ranjpour, R., & Ebrahimi, S. (2017). Fiscal policies and income distribution in Iran: FAVAR approach. *Economic Modeling*, *11*(39), 75-98. https://journals.iau.ir/article_600434.html [In Persian]

Schaltegger, C. A., & Weder, M. (2014). Austerity, inequality and politics. *European journal of political economy*, *35*, 1-22.

Shakeri, A. (2011). *Macroeconomic Issues*. Rafee Publications. [In Persian]

Shi, M., & Svensson, J. (2006). Political budget cycles: Do they differ across countries and why?. *Journal of public economics*, *90*(8-9), 1367-1389.

Ulu, M. I. (2018). The effect of government social spending on income inequality in OECD: A panel data analysis. *Uluslararası Ekonomi Siyaset İnsan ve Toplum Bilimleri Dergisi*, *1*(3), 184-202.

Veiga, F. J., Veiga, L. G., & Morozumi, A. (2017). Political budget cycles and media freedom. *Electoral Studies*, *45*, 88-99.

Viegas, M., & Ribeiro, A. P. (2013). Welfare-improving government behavior and inequality in a heterogeneous agents model. *Journal of Macroeconomics*, *37*, 146-160.

Zobeidi, M., Khodapanah, M., & Montazer Hojat, A. H. (2025). The effect of government size on the inequality of income distribution in the provinces of Iran. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, Articles in Press. https://doi.org/10.22055/jqe.2024.46837.2627 [In Persian]